

Economic and Social Causes Disturbing the Realization of Peace in the Middle East from the View of the Two Imāms of the Islamic Revolution¹

Reza Allahdadi¹, Hadi Bayati², Seyyed Mohsen Hosseini Dehnavi³

1. Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Kerman University of Medical Sciences, Kerman, Iran
(Corresponding author). r.allahdadi@kmu.ac.ir

2. Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Faculty of Theology and Islamic Studies, Mazandaran
University, Babolsar, Iran. www.h.bayati@umz.ac.ir

3. Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Kerman University of Medical Sciences, Kerman, Iran.
www.smhd41@yahoo.com

Abstract

The purpose of the present study is to review economic and social causes disturbing the realization of peace in the Middle East from the view of the two Imāms of the Islamic revolution. The research method is descriptive-analytic and the results showed that with respect to the causes disturbing peace in the Middle East from the view of Imām Khomeini and the Supreme Leader, the following factors can be mentioned: A) Economic causes: the U.S and Europe's economic support from Israel as well as its land improvement policies; B) Social causes: creating conflict among Muslims, negligence of the Islamic government leaders, humiliation of nations by the leaders of other countries, conciliation between Arabic governments and Israel, anti-religious attitude of the Arabic leaders and their dependence on super powers, western attempts to rebuild old regimes in the region, and propagation of western concepts in Islamic societies.

Keywords: Peace, Middle East, Imām Khomeini, Āyatollāh Khāmene'i, Palestine, Israel, Economy, United States, Muslims.

1. Received: 2021/09/23 ; Revised: 2021/11/01 ; Accepted: 2021/12/17 ; Published online: 2022/09/23

DOI: 10.22034/sm.2021.539249.1752

© the authors

<http://sm.psas.ir/>

Publisher: Political Studies Association of the Seminary



عوامل برهم‌زننده اقتصادی و اجتماعی تحقق صلح در خاورمیانه از دیدگاه امامین انقلاب اسلامی^۱

رضا الله‌دادی^۱، هادی بیاتی^۲، سید محسن حسینی دهنوی^۳

۱. استادیار، گروه معارف اسلامی، دانشگاه علوم پزشکی کرمان، کرمان، ایران (نویسنده مسئول). r.allahdadi@kmu.ac.ir

۲. استادیار، گروه معارف اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.
www.h.bayati@umz.ac.ir

۳. استادیار، گروه معارف اسلامی، دانشگاه علوم پزشکی کرمان، کرمان، ایران. www.smhd41@yahoo.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی عوامل برهم‌زننده اقتصادی و اجتماعی تحقق صلح در خاورمیانه از دیدگاه امام خمینی و مقام معظم رهبری است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و نتایج نشان داد که در مورد عوامل برهم‌زننده صلح در خاورمیانه از دیدگاه امام خمینی و مقام معظم رهبری، می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: الف) عوامل برهم‌زننده اقتصادی: حمایت‌های اقتصادی آمریکا و اروپا از اسرائیل؛ توطئه‌های اقتصادی آمریکا علیه ایران، طمع‌ورزی به منابع مسلمین؛ استفاده ابزاری آمریکا از دولت‌های منطقه؛ سیاست توسعه ارضی اسرائیل. ب) عوامل برهم‌زننده اجتماعی: ایجاد تفرقه میان مسلمانان؛ غفلت سران دولت‌های اسلامی؛ تحقیر ملت‌ها توسط سران کشورها؛ سازش دولت‌های عربی با اسرائیل؛ دین‌ستیزی و وابستگی حاکمان کشورهای عربی؛ تلاش برای بازسازی رژیم‌های قدیمی به‌وسیله غرب؛ نشر مفاهیم غربی در جوامع اسلامی.

واژه‌های کلیدی: صلح، خاورمیانه، امام خمینی، آیت‌الله خامنه‌ای، فلسطین، اسرائیل، اقتصاد، آمریکا، مسلمانان، اسرائیل.

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۰۱؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰/۰۸/۱۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۲۶؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۷/۰۱

DOI: 10.22034/sm.2021.539249.1752

© the authors

http://sm.psas.ir/

ناشر: انجمن مطالعات سیاسی حوزه



۱. مقدمه

برطرف کردن تنش و روابط خصومت‌آمیز در خاورمیانه به‌ویژه بین اعراب و اسرائیل (فلسطین و اسرائیل)، از جمله برنامه‌ها و سیاست‌های دُول بزرگ برای دستیابی به صلح در منطقه می‌باشد. این امر به‌ویژه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و قرار گرفتن ایالات متحده در موقعیت قدرت بلامنازع جهانی و تقویت احساس سردمداری و رهبری دنیا و همچنین حمله عراق به کویت که در جبهه اعراب تفرقه و شکاف و نهایتاً ضعف شدید ایجاد کرد، ابعاد تازه‌تر و جدی‌تری به خود گرفته و به‌عنوان بخش حساس سناریوی نظم نوین جهانی آمریکا مطرح گردید. برای دولت آمریکا بسیار مهم بوده و هست که رژیم صهیونیستی به‌عنوان نماینده و متحد استراتژیک، پایگاه مستحکم و قابل اطمینان غرب، حافظ منافع و اهرم فشار قوی آمریکا علیه دولت‌های منطقه و رشد روزافزون اسلام‌گرایی، در امنیت و ثبات قابل قبولی به سر برد. با توجه به این مسأله و پیامدهای آن برای امنیت ملی ایران، جمهوری اسلامی ایران نیز به رهبری امام خمینی و مقام معظم رهبری، به تبیین عوامل مختلف عدم شکل‌گیری صلح پایدار در خاورمیانه پرداخته است. بر این اساس، پژوهش حاضر درصدد است عوامل برهم‌زننده اقتصادی و اجتماعی تحقق صلح در خاورمیانه از دیدگاه امام خمینی و مقام معظم رهبری را مورد بررسی و تحلیل قرار دهد. برای توضیح و تبیین دیدگاه‌های امام خمینی و مقام معظم رهبری، علاوه بر روش نقل قول مستقیم، از برداشت و اقتباس با دخل و تصرف اندک نیز استفاده شده است.

۲. عوامل برهم‌زننده اقتصادی تحقق صلح در خاورمیانه از دیدگاه امام خمینی و مقام معظم رهبری

۲-۱. عوامل برهم‌زننده اقتصادی تحقق صلح در خاورمیانه از دیدگاه امام خمینی

۲-۱-۱. حمایت اقتصادی آمریکا از اسرائیل

اتحادی که بین امپریالیسم آمریکا و استعمارگری صهیونیستی به‌وجود آمد، به‌دلیل آن بود که صهیونیست‌ها بتوانند از منافع اقتصادی و سیاسی آمریکا در خاورمیانه دفاع کنند و در مقابل نیز دولت‌های استکباری برای رسیدن به این مهم، حمایت اقتصادی گسترده‌ای از اسرائیل به عمل آورده‌اند. امام خمینی آمریکا را به‌دلیل حمایت‌های سیاسی و اقتصادی از این رژیم اشغال‌گر، نکوهش می‌کند و این کشور را از جنایتکاران تاریخ می‌داند: «دولت آمریکا با پشتیبانی از این عناصر، در نظر مسلمین، در رأس ستمکاران و جنایتکاران تاریخ است. دولت آمریکا برای استفاده رایگان از منابع زرخیز مسلمین، میلیون‌ها مردم شریف را به چنگال عناصری کثیف و دور از انسانیت گرفتار کرده و اگر رئیس جمهور فعلی (جیمی

کارتر)^۱ تجدیدنظر نکند و راه خود را از سلف ناصالح جدا نکند، مسئولیت همه جنایات به دور از انسانیت به عهده اوست. نادیده گرفتن حقوق صدها میلیون مسلم و مسلط نمودن مثنی اوباش بر مقدرات آن‌ها و مجال دادن به رژیم غیرقانونی ایران و دولت پوشالی اسرائیل برای غصب حقوق مسلمین و سلب آزادی و معامله قرون وسطایی نمودن، جنایاتی است که در پرونده رؤسای جمهور آمریکا ثبت می‌شود...» (امام خمینی، ۱۳۷۹: ج ۳، ص ۲۱۰).

بنابراین، از زمان تصرف فلسطین توسط یهودیان، کشور انگلیس و حمایت‌های بی‌دریغ و همه‌جانبه آن از صهیونیست‌ها، مشکل عدم صلح در خاورمیانه را برای مردم استعمارزده و استعمارشده خاورمیانه به وجود آورد و از جنگ جهانی دوم به بعد نیز آمریکا با پا گذاشتن در جای پای استعمار پیر انگلستان و ادامه راه آن کشور، به تداوم غصب حقوق مسلمین و سلب آزادی آنان در خاورمیانه پرداخت.

در دوران پهلوی نیز ایران، بازار واردات انبوه کالاها و محصولات اسرائیلی بود که رونق زیادی به اقتصاد اسرائیل می‌بخشید و از سوی دیگر با صادرات نفت، به آن جان می‌داد و نفت ایران تبدیل به گلوله و سلاح می‌شد و بر سینه فلسطینیان می‌نشست. همچنین ایران تبدیل به پایگاهی برای اسرائیل شده بود. در حال حاضر نیز استراتژی موردنظر ایالات متحده در برخورد با متغیرهای منطقه، از سویی بر کنترل تهدیدات ایران و از سوی دیگر، بر ادامه فشار با هدف تحقق صلح میان اسرائیل و همسایگان عریش و حمایت از اسرائیل تأکید دارد.

۲-۱-۲. طمع‌ورزی غربی‌ها به منابع مسلمین

یکی از مهم‌ترین عوامل عدم شکل‌گیری صلح پایدار در خاورمیانه، طمع‌ورزی دولت‌های استکباری و در رأس آن‌ها آمریکا، به منابع مسلمانان است. مهم‌ترین هدف آمریکا در خاورمیانه، مسأله نفت و خرید ارزان این ماده گران‌بهاء از کشورهای خاورمیانه است، لذا، این کشور سعی دارد حاکمان سرسپرده کشورهای اسلامی را تحت کنترل داشته باشد تا درنهایت با آسودگی بتواند به منابع ارزشمند زیرزمینی خاورمیانه دست یابد. این عامل و غارت منابع درآمدی مردم مسلمان در خاورمیانه، موجب وابسته شدن آنان به غرب و ضعف آن‌ها در امور سیاسی و اقتصادی شده است. همچنین ضعف سیاسی و اقتصادی، امکان تصمیم‌گیری مناسب دولت‌های منطقه برای در پیش گرفتن یک سیاست واحد در خاورمیانه چه از

1. Jimmy Carter

لحاظ اقتصادی و چه از لحاظ سیاسی برای رسیدن به یک صلح پایدار، را از آنان سلب کرده است. بنابراین، سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا این است که پدیداری یا پایداری کشورهای منطقه خاورمیانه را در هر صورت به نفع منافع خود تحت کنترل داشته باشد. مهم‌ترین نمونه این سیاست آمریکا، راه‌اندازی جنگ ایران و عراق بود که از نظر امام خمینی، شکست یا ضعف هریک، در هر صورت به نفع آمریکا بود (ر.ک: امام خمینی، ۱۳۷۹: ج ۱۷، ص ۴۲۰).

اشاره امام خمینی به هدف اصلی آمریکا در خاورمیانه که مشکلات زیادی را در این منطقه استراتژیک به‌وجود آورده است، جالب توجه می‌باشد: «آمریکا، شماها را برای نفت‌تان می‌خواهد. آمریکا، شما را برای این می‌خواهد که بازار درست کند که نفت‌تان را ببرد و بنجل‌ها را بیاورد به شما بفروشد به قیمت گران. چه کار دارد آمریکا به اینکه شما چه حال دارید...» (همان: ص ۲۳۲). امام خمینی با دقت تمام، این موضوع را دنبال کرده است: «وقتی مطلبی پیش می‌آید که مخالف با منافع آن‌هاست، اعلام می‌کنند که دوستانی داریم و منافی داریم؟ آمریکا چه منافی می‌تواند در اینجا داشته باشد جز منابع زرخیز شما؟ و چه دوستانی می‌تواند اینجا داشته باشد جز آن‌هایی که به‌عنوان دوستی خدمتگزار هستند» (امام خمینی، ۱۳۷۹: ج ۱۶، ص ۱۶۵).

اشغال فلسطین و بیرون کردن آن‌ها از سرزمین اجدادیشان، از دو جهت باعث تهدید منافع جهان اسلام شده است: اول اینکه فلسطین قطعه‌ای از خاک اسلام و آلام مردم فلسطین، آلام و دردها و رنج‌های همه مسلمانان است. امروز فریاد ملت فلسطین بلند است و جواب این فریاد، بر تک‌تک مسئولان دولت‌های اسلامی واجب و لازم است. این غده سرطانی و شجره خبیثه‌ای که در سرزمین فلسطین گنجانده شده است، امروز تهدیدی علیه موجودیت و هویت همه کشورها و دولت‌های اسلامی است. دوم اینکه اساساً تشکیل دولت صهیونیست در این نقطه از دنیای اسلام، با یک هدف بلندمدت استکباری همراه بوده است، زیرا دولت‌های استعماری بنابه دلایل گوناگون، توان حضور بلندمدت در منطقه را نداشتند، از این‌رو مصمم شدند که با تشکیل یک دولت وابسته به خود در قلب دنیای اسلام، تداوم سلطه استعمارگران بر دنیای اسلام همچنان باقی بماند و این‌طور نباشد که اگر یک وقت دولت اسلامی مقتدری به‌وجود آمد، بتواند جلوی نفوذ استعمارگران را بگیرد (کوئیگلی، ۱۳۷۲: ص ۱۷۵). بنابراین، طبق اسناد تاریخی، تشکیل حکومت صهیونیستی از ابتدا یک خواست استعماری بوده است.

۳-۱-۲. سیاست توسعه ارضی اسرائیل

شعار اصلی پارلمان اسرائیل این بود که «اسرائیل، مرزهای تو از نیل تا فرات است» و این شعار در

دوران ضعف و نوپایی اسرائیل که اشغال‌گران از جمعیت و قدرت اندکی در برابر دنیای اسلام برخوردار بودند، مطرح می‌شد و بدیهی است که به هنگام قدرت، برای تحقق آن تلاش کردند. امام خمینی بارها خطر توسعه‌طلبی اسرائیل و عدم اکتفاء به مرزهای فعلی را گوشزد نموده (امام خمینی، ۱۳۷۹: ج ۱۸، ص ۹۳) و خاطرنشان می‌کردند که هرگونه انکار یا پرده‌پوشی اسرائیل از این هدف، فقط به منظور فریب افکار عمومی جهان اسلام و سود جستن از سیاست گام‌به‌گام در تعقیب اهداف نهایی است و چنانچه همین هشدار امام به خوبی درک می‌شد، راه بر انواع طرح‌های سازشکارانه‌ای که به خیال خام می‌خواهند اسرائیل را اسیر تعهدات و توافقنامه‌های بین‌المللی نموده (همان: ص ۱۲) و از این طریق به قیمت واگذاری بخش عمده‌ای از سرزمین‌های اشغالی، نوعی خودمختاری محدود در گوشه‌ای از سرزمین فلسطین بدست آورند، مسدود می‌شد.

۳. عوامل برهم‌زننده اقتصادی صلح در خاورمیانه از دیدگاه مقام معظم رهبری

۳-۱. حمایت استکبار از اسرائیل به خاطر حفظ منافع اقتصادی خود

حمایت استکبار جهانی از اسرائیل برای پیشبرد سیاست‌های اقتصادی، یکی از عوامل برهم‌زننده صلح در خاورمیانه به‌شمار می‌آید. هدف اصلی آمریکا و کشورهای غربی از حمایت اسرائیل، تأمین منافع اقتصادی خود در منطقه استراتژیک خاورمیانه است، لذا علاوه بر امام خمینی، رهبر معظم انقلاب نیز بر این قضیه تأکید کرده‌اند: «خاصیت قدرت استکباری این است که به همه دنیا مثل منطقه‌ای که متعلق به خود اوست یا او حق استفاده از آن را دارد، نگاه می‌کند؛ اگر بناست يك نقطه را تقویت کند، چون به نفع اوست بدون هیچ ملاحظه‌ای تقویت می‌کند. این کارهایی که امروز اسرائیل می‌کند، اگر کمتر از آن را دولتی انجام می‌داد که در خدمت منافع آمریکا نبود، می‌دانید تبلیغات آمریکایی با آن دولت چه می‌کرد؟! ...» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰؛ ۱۳۹۰/۷/۹).

از این بیانات می‌توان چنین دریافت کرد که حکومت آمریکا انتظار دارد با کنترل کشورهای همسایه اسرائیل و گسترش مذاکرات صلح بین اسرائیل و دول عربی، افزایش تبادل تجاری در داخل منطقه خاورمیانه و دولت‌های خارج از منطقه را نیز رهبری نماید؛ به طوری که بخش خصوصی آمریکا در موقعیت آرمانی، برای بدست آوردن بهره‌اش از منافع ناشی از حذف تحریم‌ها و موانع تجاری علیه اسرائیل تلاش می‌کند. دلایل کافی وجود دارد که ایالات متحده اقدامات زیادی برای حمایت از اسرائیل، با ایجاد بازارهای خاورمیانه نموده است و با این اقدامات حتی موقعیت تجاری خود و بخش خصوصی آمریکا را

افزایش داده است. بنابراین، اهداف آمریکا از حمایت اسرائیل و مدیریت عملیات صلح در خاورمیانه را چنین می‌توان بیان نمود:

- دستیابی به اقدامات امنیتی - سیاسی که در تأمین استقرار منافع اقتصادی ایالات متحده آمریکا در منطقه، تأثیرگذار است.

- پشتیبانی از جایگاه اسرائیل به منزله هم‌پیمان استراتژیکی‌اش در منطقه، از طریق تلاش برای قرار گرفتن اسرائیل در موقعیتی موجه در نظام سیاسی منطقه و تضمین استمرار برتری نظامی آن.

- فشار به منظور استمرار رویکرد مسائل اقتصادی منطقه به سمت لیبرالیستی، درهای باز، خصوصی‌سازی و کاستن نقش دولت در اقتصاد، به طوری که محیط مناسب رشد سرمایه‌داری بخش خصوصی را فراهم آورد. ایالات متحده آمریکا اهمیت ویژه‌ای برای اقدامات اقتصادی و قانونی که سرمایه‌داری بخش خصوصی را با الگو و شیوه آمریکایی به بهره‌برداری در منطقه تشویق می‌کند، قائل است. چه بسا این کار، تنها دلیل اساسی اصرار آمریکا بر حمایت از اسرائیل و پایان دادن تحریم اسرائیل توسط اعراب باشد، چون اینها موانعی را بر سر راه فعالیت‌های شرکت‌های آمریکایی در جهان عرب قرار می‌دهند.

- آمریکا، اسرائیل را به بهره‌گیری از پیمان تجارت آزاد تشویق می‌کند تا موقعیت تجاری ممتاز منطقه‌ای را برای خود در منطقه به وجود آورد.

۳-۱-۱. حضور استکبار در خلیج فارس

منطقه خلیج فارس از جمله آب‌راه‌های مهم و سوق‌الجیشی دنیاست که از روزگاران گذشته، یکی از مراکز تجاری و اقتصادی جهان و خاورمیانه محسوب می‌شده است. وجود ذخایر عظیم نفت و گاز در این منطقه حیاتی، خود گویند اهمیت اقتصادی آن است. اهمیت این ماده حیاتی سیاه‌رنگ بدان جهت است که از تولید انرژی گرفته تا عامل حرکت همه صنایع و وسایل حمل‌ونقل در جهان به‌شمار می‌آید. در واقع باید گفت که با پیدایش نفت، تحول عظیمی در مسائل نظامی، سیاسی و اقتصادی جهان ایجاد شد و به دلیل همین اهمیت است که بعد از پیدایش نفت در این منطقه تاکنون، منطقه شاهد هجوم گسترده سلطه‌گران بیگانه بوده است (خدادادی، ۱۳۸۵: ص ۱۲۷-۱۲۸).

نفت خلیج فارس برای اولین بار، اهمیتش را در به حرکت درآوردن کشتی‌های جنگی و تجاری انگلیسی به نمایش گذاشت که نقش اصلی را در پیروزی بر نیروی دریایی آلمان در جنگ جهانی اول بازی کردند. به دلیل همین اهمیت است که بعد از جنگ جهانی دوم، شرکت‌های نفتی غربی تحت حمایت

دولت‌های خود، امتیازات زیادی را در زمینه اکتشاف، استخراج، صدور و فروش نفت، حق انحصاری لوله‌کشی، معافیت از پرداخت حقوق گمرکی و هرگونه عوارض دیگر و بالاخره معافیت از پرداخت حق الامتیاز بدست آوردند. خلیج فارس حدود ۵۶۵ میلیارد بشکه ذخیره نفتی دارد که ۶۳ درصد از کل ذخایر ۸۹۶/۵ میلیارد بشکه نفتی شناخته شده در جهان را در خود جای داده است (همان: ص ۱۲۹).

بررسی مسائل نفت در منطقه و جهان و مصارف آن توسط کشورهای صنعتی و میزان تقاضای جهانی آن، خود گویای اهمیت آن، چه برای کشورهای مذکور و چه برای کشورهای دارنده آن است. بی‌جهت نیست که آمریکا و اروپا به نمایندگی از کشورهای صنعتی، خودشان را برای دسترسی آسان به نفت منطقه به آب و آتش می‌زنند و برای نفوذ در بین کشورهای عربی منطقه، به شیوه‌های مختلف متوسل می‌شوند. این واقعیت را می‌توان در صحبت‌های مقام معظم رهبری به‌روشنی مشاهده نمود، آنجا که می‌فرمایند: «طرح خلع سلاح خاورمیانه به این معناست که این منطقه نفت‌خیز و ثروتمند، تهیدست و بدون سلاح باشد و قدرتمندان بتوانند بر او اثر بگذارند، قیمت نفت را در اختیار خود گرفته و کسی جرأت نکند با اراده خود، مانع صدور یک قطره نفت شود» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۰/۰۸/۱۲). ایشان در ادامه با نفی سلطه‌گری غرب و چپاول ثروت‌های منطقه، می‌فرمایند: «این مسأله‌ای نیست که ملت‌ها آن را بپذیرند و ملت ایران اجازه نخواهد داد که درباره‌اش تصمیم بگیرند و استکبار نیز در این سیاست خود، موفق نخواهد شد» (همان).

۳-۲- سیاست‌های اقتصادی و توسعه‌طلبانه اسرائیل

یکی از عواملی که نقش زیادی در عدم شکل‌گیری صلح در خاورمیانه دارد، سیاست‌های توسعه‌طلبانه اسرائیل برای پیشبرد سیاست‌های کلان سیاسی و اقتصادی خود است. رژیم صهیونیستی که براساس اندیشه‌ها و آرمان‌های رهبران جنبش صهیونیستی شکل گرفته است، ویژگی‌های منحصربه‌فردی دارد. توسعه‌طلبی یکی از ویژگی‌های صهیونیسم و رژیم صهیونیستی است. توسعه‌طلبی، اصطلاحی است که درباره نقشه‌های صهیونیسم جهانی که قصد اشغال تمامی فلسطین و قسمتی از سرزمین‌های عربی مجاور را دارد، به‌کار می‌رود (الموسوعه الفلسطینیة، ۱۹۸۴م: ج ۱، ص ۵۹۱). این ویژگی (توسعه‌طلبی) در نزد صهیونیست‌ها، مبتنی بر باورهای قومی و دینی است و ریشه در افسانه‌های توراتی دارد. اشغال فلسطین، تجاوزات نظامی و ضمیمه‌سازی خاک دیگر کشورها مانند لبنان و بلندی‌های جولان سوریه به اراضی اشغالی فلسطین، نتیجه مستقیم باور خرافی سران یهود به اسطوره «اسرائیل بزرگ» است (کریمیان، ۱۳۸۶: ص ۴۲). در دین یهود، نقشه توسعه‌طلبانه «اسرائیل بزرگ» به معنای دولت بزرگ یهودی است که تمام

یهودیان جهان در آن گرد می‌آیند. وجه تسمیه «اسرائیل بزرگ» برحسب ادعاهای یهودیان که در کتاب عهد قدیم و بعضی اسفار آن آمده است، شعار اصلی توسعه‌طلبی در نقشه استراتژیکی اسرائیل می‌باشد (عدنان، ۱۹۸۹م: ص ۱۵). از این‌رو، در توطئه اعلام موجودیت دولت اسرائیل، عبارت «زمین اسرائیل گهواره ملت یهودی» آمده است. بنابراین توسعه‌طلبی صهیونیستی، در زمان صهیونیسم هرترلی (۱۸۹۵-۱۹۰۵م) رشد کرد (صفا تاج، ۱۳۹۴).

ویژگی توسعه‌طلبی رژیم صهیونیستی را می‌توان از پرچم این رژیم و اشغال سرزمین فلسطین شناخت؛ سرزمینی که از مفهوم «میهن ملی یهود» که اعلامیه بالفور^۱ (۱۹۱۷م)، قطعنامه تقسیم فلسطین (۱۹۴۷م) و خطوط آتش‌بس موقت (۱۹۴۸م) حدود آن را معین می‌کردند، تجاوز کرده است. نامه زیر که از سوی یکی از دوستان نزدیک و مشاور تئودور هرترل، به نام دیوید ترلیتسشن^۲ در تاریخ ۲۹ اکتبر ۱۸۹۹م (کمی پس از برگزاری کنگره صهیونیسم جهانی در شهر بال سوئیس) برای او فرستاده شده، ویژگی توسعه‌طلبی و منطق باطنی رژیم صهیونیستی را در سیاست خارجی اش به‌روشنی بیان می‌کند:

«پیش از آنکه خیلی دیر شود، می‌خواستم به شما یادآوری کنم که گه‌گاه برنامه فلسطین بزرگ و اسرائیل بزرگ را مورد توجه و عنایت قرار دهید. برنامه کنگره بال باید کلمات فلسطین بزرگ و اسرائیل بزرگ یا فلسطین و سرزمین‌های همسایه را در بر داشته باشد، در غیر این صورت، تمام برنامه بی‌ارزش خواهد بود و شما نخواهید توانست در سرزمینی به مساحت ۲۵۰۰۰ کیلومتر مربع، ده میلیون یهودی را پذیرا شوید» (گارودی، ۱۳۶۴: ص ۵۹۱).

مقام معظم رهبری نیز با اشاره به تاریخ شوم توسعه‌طلبی صهیونیست‌ها، به مسلمانان هشدار می‌دهند که صهیونیست‌ها از اهداف خودشان منصرف نیستند، هدف آن‌ها تصرف مناطق بین نیل تا فرات می‌باشد و هنوز هم از این تصمیم خود عقب‌نشینی نکرده‌اند. ایشان می‌فرمایند: «استراتژی صهیونیست‌ها این است که ابتدا با حيله و ترفند، جای پای خودشان را قرص کنند و بعد که جای پا محکم شد، با فشار و حمله و آدم‌کشی و استفاده از زور و خشونت، تا جایی که می‌توانند پیش بروند. این کاری است که از شصت هفتاد سال پیش تا به امروز انجام داده‌اند؛ یعنی بیست و پنج سال قبل از آنکه فلسطین را رسماً اشغال کنند، همین روش را انجام دادند» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۱/۱/۷).

1. Balfour Declaration
2. David Trletschen

بنابراین رژیم غاصب اسرائیل در سال ۱۳۲۷، به طور رسمی با همکاری انگلیس و آمریکا و فشار این دو کشور بر مجمع عمومی سازمان ملل تشکیل شد. شعار اصلی دولت و پارلمان این رژیم از ابتدا، تشکیل کشور اسرائیل بزرگ از نیل تا فرات بود. این شعار از همان دوران ضعف و نوپایی رژیم اشغال‌گر قدس که دارای جمعیت و قدرت اندکی بود، مطرح شد. بدیهی است که این رژیم به هنگام قدرت، برای تحقق آن تلاش خواهد کرد.

مقام معظم رهبری با تدبیر خود، از همان ابتدا به این توطئه استعمار و صهیونیسم بین‌المللی آگاه بوده و به طور مرتب این مسأله را گوشزد نموده و خاطرنشان می‌کردند که هرگونه انکار یا پرده‌پوشی اسرائیل از این هدف، فقط به منظور فریب افکار عمومی جهان اسلام و سود جستن از سیاست گام‌به‌گام در تعقیب هدف نهایی است. همچنین خطر اسرائیل فقط منحصر به کشورهای عربی نیست و متوجه همه خاورمیانه و سرزمین‌های اسلامی است (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۱/۱/۷).



شکل ۱- نقشه سیاست‌های توسعه‌طلبانه اسرائیل (۱۹۴۶-۲۰۰۰)

۳-۱-۳. استکبار جهانی و تملک ثروت خاورمیانه با ابزار اسرائیل

نفوذ و استقرار قدرت‌های استکباری در خاورمیانه به دلیل منابع انرژی سرشار این منطقه که با مهره

اسرائیل میسر شده است، عامل مهمی در به هم خوردن صلح در خاورمیانه به حساب می‌آید که مقام معظم رهبری بارها به آن اشاره کرده‌اند: «... دستگاه استکبار بی‌اعتقاد به همه اصول انسانی، مایل است این منطقه خاورمیانه، این منطقه حساس را که پر از ثروت و حساسیت گوناگون جغرافیایی و اقتصادی است، در اختیار بگیرد، در مشت بگیرد. وسیله‌اش هم اسرائیل غاصب است، صهیونیست‌های مسلط بر فلسطین اشغالی، مسأله این است. همه این حرکاتی که این چند سال در این منطقه انجام گرفته است - از قضایای لبنان تا قضایای عراق تا قضایای فلسطین - با این نگاه قابل تفسیر و قابل فهم است. مسأله این است که این منطقه باید در مشت آمریکا و استکبار (استکبار اعم از آمریکا) باشد. استکبار این منطقه را لازم دارد و عاملش هم اسرائیل است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۷/۱۰/۱۹).

۴. عوامل برهم‌زننده اجتماعی تحقق صلح در خاورمیانه از دیدگاه امام خمینی و مقام معظم رهبری

۴-۱. عوامل برهم‌زننده اجتماعی تحقق صلح در خاورمیانه از دیدگاه امام خمینی

۴-۱-۱. ایجاد تفرقه میان مسلمانان

ایجاد تفرقه در میان ملت‌های مسلمان خاورمیانه توسط استعمارگران، یکی از اقدامات اجتماعی آن‌ها برای جلوگیری از اتحاد جهان اسلام بوده که این موضوع به نوبه خود باعث اخلال در صلح در خاورمیانه شده است. امام خمینی نگرانی خود را از این موضوع، این چنین بیان می‌کند: «همه دول اسلامی و ملت‌های اسلامی می‌دانند که درد چیست، می‌دانند که دست‌های اجانب در بین است تا اینها را از هم متفرق کند، می‌بینند که با این تفرقه‌ها ضعف و نابودی نصیب آن‌ها می‌شود، می‌بینند که يك دولت پوشالی اسرائیل در مقابل مسلمین ایستاده، اگر همه مسلمانان جمع شوند و هر کدام يك سطل آب بریزند، اسرائیل را آب می‌برد» (امام خمینی، ۱۳۷۹: ج ۸، ص ۲۳۶-۲۳۵).

تفرقه‌افکنی و از هم پاشیدن جامعه‌های متحد و يك‌دل، شیوه تبهکارانی است که در اندیشه تسلط بر جهان‌اند. آنان ابتدا با پاشیدن بذر تفرقه، مردم را به دسته‌های مختلف تقسیم می‌کنند، آنگاه به غارت هستی و اموال مردم می‌پردازند و به این شیوه، حکومت خود را بر آنان تثبیت می‌کنند. قرآن کریم از فرعون، نمونه بارز این گونه تبهکاران، چنین یاد می‌کند: «أَنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَ جَعَلَ أَهْلَهَا شِيْعًا يَسْتَضَعِفُ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ يُذَبِّحُ أَبْنَاءَهُمْ وَ يَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ»، «همانا فرعون در زمین قدرت یافت و ساکنانش را دسته دسته ساخت، گروهی از آنان را ضعیف و ذلیل کرد، پسرانشان را می‌کشت و زنان را زنده می‌گذاشت، به درستی که او از مفسدان بود» (قصص: ۴).

بنابراین، دوگانگی و اختلاف ثمره فعالیت‌های تبلیغی دشمن، دسیسه‌های منافقان، انگیزه‌های نفسانی نیروها و عواملی از این قبیل است. عامل تفرقه موجب می‌شود تا نیروها با یکدیگر همکاری و همیاری نکنند و این خود، اثر مخربی را بر انسجام آن‌ها گذاشته و اطاعتشان را از فرماندهی، سست و کم‌رنگ می‌نماید. دشمن نیز با بهره‌گیری از این نقطه ضعف، درصدد پیاده کردن نقشه‌های خود برآمده و ضربه‌های کاری را وارد می‌سازد؛ چنانکه معاویه پس از اطلاع از گسترش تفرقه و اختلاف در بین نیروهای حضرت علی(ع)، بی‌درنگ افراد مهاجم و غارت‌گر خود را به مناطق تحت حاکمیت آن حضرت اعزام نمود تا آن مناطق را زیر سلطه خود درآورند (تقفی کوفی، ۱۳۷۴: ج ۲، ص ۴۱۸-۴۲۲).

علاوه بر این، تجربه نشان داده است که اختلاف و دوگانگی همواره با ضعف و زبونی همراه بوده و گوسفندان جامانده از گله نصیب گرگ گشته‌اند؛ ملتی هم که مرکزیت و انسجام خویش را از دست بدهد، زیر چکمه‌های قدرت‌های استکباری لگدکوب خواهد شد. قرآن کریم با فراخوانی مسلمانان به فرمانبرداری از خدا و پیامبر(ص)، چنین هشدار می‌دهد: «... اطیعوا اللهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ»، «از خدا و پیامبرش اطاعت کنید و با یکدیگر نزاع نکنید که ناتوان شوید و مهابت و قوت شما برود» (انفال: ۴۶).

امیر مؤمنان علی(ع) نیز در نهج البلاغه به مبحث تفرقه اشاره نموده است و به‌عنوان نمونه، حالت فرزندان حضرت اسماعیل(ع)، حضرت اسحاق(ع) و حضرت یعقوب(ع) را در زمان تفرقه چنین بیان می‌کند: «چقدر حالات (ملت‌ها) با هم مشابه و صفات و افعالشان شبیه به یکدیگر است! در حال تشّت و تفرق آنان دقت کنید، زمانی که کسرها و قیصرها مالک آن‌ها بودند. سرانجام آن‌ها را از سرزمین‌های آباد، از کناره‌های دجله و فرات و از محیط‌های سرسبز و خرم گرفتند و به جاهای خشک و بی‌آب و علف، محل وزش بادهای مکان‌هایی که زندگی در آن‌ها سخت است، تبعید کردند. آن‌ها را در آنجا مسکین، بیچاره و همنشین شتر ساختند. شغلشان ساربان‌ی و خوراکشان تنها شیر شتر و لباس و وسایل زندگی آنان از پشم شتر تهیه می‌شد. آنان را از نظر خانه، از ذلیل‌ترین امت‌ها ساختند...» (فیض الاسلام اصفهانی، ۱۳۶۸: ص ۷۷۵).

۴-۱-۲. غفلت سران دولت‌های اسلامی

از نظر امام خمینی غفلت سران کشورهای اسلامی از طرح‌های استعمارگران، از دلایلی است که صلح را در خاورمیانه مختل کرده است. ایشان می‌فرمایند: «من از اوضاع عمومی دول اسلامی بسیار متأسفم، از اوضاع خصوص ایران بسیار متأسفم. دولت‌های اسلامی، چه سلاطین اسلام، چه رؤسای جمهوری اسلامی، چه نخست‌وزیران دول اسلامی، در تحت تأثیر استعمار غافل از مقاصد دیانت اسلام هستند،

مطلع نیستند به مسائل اسلام، نمی‌خواهند مطلع بشوند به احکام اسلام، نمی‌توانند با این وضعی که دارند مطلع بشوند که اسلام چه آورده است برای بشر و بشر اگر اتباع کند از اسلام، به کجا خواهد رسید» (امام خمینی، ۱۳۷۹: ج ۱، ص ۳۷۳-۳۷۴).

بنابراین می‌توان گفت منشأ هر آفتی که از بیرون دامن‌گیر ما می‌شود، غفلت درون ماست و اگر در درون ما قلعه اعتقاد و التفات وجود داشته باشد، آسیبی به ما نمی‌رسد. امام صادق (ع) می‌فرماید: «إِنَّ الصَّاعِقَةَ لَا تُصِيبُ ذَاكِرًا لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۶۱، ص ۲۵). این‌گونه معارف، گذشته از جنبه علمی و اعتقادی، برای ما اثری تربیتی دارد تا از خدا و آیات او غافل نباشیم.

بنابراین، غفلت سران اسلامی موجب شده است تا استکبار جهانی یکی از خبیث‌ترین حیل‌های خود را به اجرا درآورد و آن درهم شکستن وحدت مسلمین است. این رژیم، رژیمی است که توسط قدرتمندان سیاسی و اقتصادی دنیا به وجود آمده و هدف آن از بین بردن اتحاد واحد مسلمانان جهان اسلام می‌باشد.

۴-۱-۳. تحقیر ملت‌ها توسط سران کشورها

یکی دیگر از عوامل مؤثر در برهم زدن صلح در خاورمیانه، تحقیر ملت‌ها و از بین بردن حس باور و اعتماد در بین مردم توسط سران و حکام وابسته به استکبار جهانی است که موجب شده ملت‌های مسلمان با یکدیگر متحد نشوند و اختلاف بین آنان افزایش یابد. وابستگی سیاسی و فرهنگی دولت‌های اسلامی به آمریکا و عدم توجه این کشورها به مردم خود، باعث شده است که آمریکا نفوذ خود را در منطقه گسترش دهد و از هر ابزاری برای اختلاف‌افکنی بین مردم خاورمیانه استفاده نماید. امام خمینی می‌فرماید: «من به سران کشورهای خلیج فارس سفارش می‌کنم که به خاطر یک عنصر ورشکسته سیاسی، نظامی، اقتصادی بیش از این خود و مردم کشورتان را تحقیر نکنید و با توسل به دامن آمریکا، ضعف و ناتوانی خود را برملا نسازید و از گرگ‌ها و درنده‌ها برای شبانی و حفظ منافع خود استمداد نطلبید» (امام خمینی، ۱۳۷۹: ج ۲، ص ۳۲۸-۳۲۹).

بر این اساس، دولت‌های آمریکا و اروپا برای تحقیر دولت‌های عربی، سیاست به حاشیه کشاندن جهان عرب و وابستگی اقتصادی آنان را در پیش گرفتند؛ از جمله شاخص‌های به حاشیه کشیدن و تحقیر ملت‌ها می‌توان به کاهش قیمت نفت، کاهش متوسط رشد تولید عربی و کاهش صادرات آن‌ها، افزایش متوسط بیکاری، افزایش بسیاری از مشکلات اجتماعی و امنیتی و... اشاره نمود. بی‌شک پراکندگی جغرافیایی - سیاسی جهان عرب و عدم وجود یک استراتژی امنیتی و توسعه‌ای واحد، در ادامه روند به حاشیه کشاندن سیاسی و اقتصادی جهان عرب و عدم ایجاد صلح پایدار در منطقه خاورمیانه مؤثر است.

۴-۱-۴. سازش دولت‌های عربی با اسرائیل

از جمله عوامل دیگر برهم‌زننده اجتماعی تحقق صلح در خاورمیانه، عدم هماهنگی بین حاکمان اسلامی در نحوه سازش و ارتباط با اسرائیل است، به طوری که سیاست سازش آنان با اسرائیل نه تنها موجب صلح در خاورمیانه نخواهد شد، بلکه دامنه اختلافات بین حکام و کشورهای موجود در خاورمیانه را بالا خواهد برد. همچنین باید اشاره کرد که سازش تعدادی از کشورها با اسرائیل، زمینه شکل‌گیری دسته‌بندی‌های سیاسی و نظامی جدیدی در خاورمیانه را نیز فراهم خواهد کرد. بنابراین، می‌توان گفت که از نقاط ضعف کشورهای اسلامی و حاکمان آن‌ها، سازش با اسرائیل بوده است. امام خمینی عدم اتحاد بین مسلمانان و سازش آنان با اسرائیل را یکی از آفت‌های برهم‌زننده صلح در خاورمیانه می‌دانند (امام خمینی، ۱۳۷۹: ج ۲، ص ۴۶۱). همچنین امام خمینی در ۶ فروردین ۱۳۵۸، ضمن مخالفت با سازش مصر با اسرائیل، موجی ضدصهیونیستی در ایران و منطقه به راه می‌اندازند و به دستور ایشان، رابطه ایران و دولت مصر نیز قطع می‌شود (همان: ج ۶، ص ۴۱۰).

بنابراین براساس بیانات امام خمینی، می‌توان گفت زمامداران اسلامی به جای مقابله با توطئه‌های دشمنان و اتحاد با یکدیگر، برای حفظ قدرت و تاج و تخت خویش، مردم را ترساندند، آزادی‌ها را سلب نمودند و انقلابیون و مبارزانی را که در مقابل ستمگری‌های آن‌ها می‌ایستادند و با توطئه‌های آن‌ها برای ایجاد دشمنی و انحراف در امت مخالفت می‌ورزیدند، سرکوب کرده و از میان برداشتند. این حکام ظالم برای ساکت کردن و خلع سلاح نمودن مخالفان و معارضان خود، به هر شیوه‌ای توسل می‌جویند؛ از جمله برای تضعیف روحیه جهاد و مبارزه در مسلمانان، به احادیث دروغین و ساختگی منسوب به پیامبر اسلام (ص) روی آورده و آن‌ها را وسیله توجیه رفتار خائنانه خود قرار دادند. این سیاست حاکمان ظالم، در زمان طولانی توانسته روحیه جهاد و مبارزه را در بسیاری از ملت‌ها تضعیف کرده و رکود و خمودی و بی‌تفاوتی را بر اغلب جوامع مسلمان حاکم سازد و این همان چیزی است که رسول اکرم (ص) همواره یاران خویش را از آن بر حذر می‌داشت (ابن هبشی، ۱۴۱۴ق: ج ۵، ص ۲۸۰). علاوه بر این، سران عرب تنها به خروج از اصول و مبانی دین و خلع سلاح مجاهدین و سازش با یهودیان اشغال‌گر بسنده نکردند، بلکه برای توجیه خیانت‌های خویش، تعدادی از عالِم‌نمایان دین را به کار گرفتند تا برای سازش با صهیونیست‌ها فتوا صادر کنند و آن‌ها را وادار ساختند که برای سازش با اسرائیل و صلح با آن رژیم غاصب، توجیهات شرعی دروغین و فریبکارانه بسازند (حمدالفتلاوی، ۱۳۸۵: ص ۵۱).

۵. عوامل برهم‌زننده اجتماعی تحقق صلح در خاورمیانه از دیدگاه مقام معظم رهبری

۱-۵. دین‌ستیزی و وابستگی حاکمان کشورهای عربی

دین‌ستیزی و وابستگی حاکمان کشورهای عربی، یکی از مهم‌ترین عوامل برهم‌زننده اجتماعی تحقق صلح در خاورمیانه می‌باشد، به طوری که پیامبر اکرم (ص) در این زمینه می‌فرماید: «بر امت خود، فقط از رهبران گمراه واهمه دارم» (ابن هبشمی، ۱۴۱۴ق: ج ۱، ص ۳۱۱). ویژگی‌های حاکمان گمراه آن است که جامعه را به انحراف می‌کشند و اهداف، ارزش‌ها، اصول و تاریخ آن را تباه می‌سازند و سرانجام در مقام انکار حکم قرآن برمی‌آیند. ویژگی دیگر این حاکمان دین‌ستیز، روی‌گردانی از سنت پیامبر اسلام (ص) و حاکمیت دین در جامعه است، به طوری که پیامبر (ص) می‌فرماید: «پیشوایانی می‌آیند که راهنمایی‌های مرا به کار نمی‌بندند و از سنت من پیروی نمی‌کنند» (نیشابوری، بی تا: ج ۱، ص ۷۹). بر این اساس، این بیان غیبی پیامبر اکرم (ص) به طور کامل بر واقعیت دیروز و امروز جوامع اسلامی منطبق است؛ بدین معنا که حکومت‌ها، تعالیم قرآن و احکام اسلام را فراموش کردند و از دین پیامبر (ص) و محتوای رسالت گسستند و به هر آنچه که کم‌ترین رابطه با اسلام نداشت، پیوستند و در نتیجه آنچه امروز بر زندگی اجتماعی، سازمان‌های اداری، تصمیمات سیاسی و حتی اخلاق روزمره مسلمانان حاکم است، چیزی جز آمیزه‌ای از اندیشه‌های بدعت‌آمیز دینی با فرهنگ و عادات بی‌ارزش غربی و اندیشه‌های شرک‌آمیز شرقی نیست. با این وجود، لائیک بودن حاکمان عربی منطقه خاورمیانه، باعث جدایی آن‌ها از ملت‌هایشان شده و این جدایی نیز نتایج وخیمی را برای صلح در خاورمیانه به همراه داشته است که از جمله عینی‌ترین نتایج آن، وابستگی این رژیم‌ها به غرب و آمریکاست. مقام معظم رهبری با ژرف‌اندیشی، به این موضوع اشاره داشته‌اند: «رژیم‌های عربی که در معرض خشم مردم‌شان قرار گرفته‌اند، چه خصوصیات داشته‌اند؟ دین‌ستیزی، سرسپردگی و دست‌نشانده‌گری غرب (آمریکا، انگلیس و...)، همکاری با صهیونیست‌ها و خیانت به فلسطین، دیکتاتوری‌های خانوادگی و وراثتی، فقر مردم و عقب‌ماندگی کشور در کنار ثروت‌های انبوه خانواده‌های حاکم، تبعیض و بی‌عدالتی و فقدان آزادی قانونی و پاسخگویی قانونی، از خصوصیات مشترک آن‌ها بوده است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴). بنابراین، سیاست دین‌ستیزی حاکمان وابسته به دولت‌های غربی و سرسپردگی آنان به مستکبران، موجب شده تا سیاست اتحاد مسلمانان زیر مجموعه یک دین واحد به نام اسلام با تمامی اختلافات فرقه‌ای به ثمر نرسد و دامنه اختلافات حتی توسط کشورهای استکباری گسترده‌تر شود.

۱-۱. تلاش برای بازسازی رژیم‌های قدیمی به‌وسیله غرب

استعمارگران و در رأس آن‌ها آمریکا و اسرائیل، از خیزش‌های اسلامی در خاورمیانه بسیار نگران بوده و هستند، زیرا بی‌شک این انقلاب‌ها سلطه آن‌ها بر منطقه را نفی می‌کند و زمینه اتحاد اسلامی و صلح پایدار در منطقه خاورمیانه را فراهم می‌نماید. لذا، دولت‌های استعماری برای جلوگیری و مقابله با این حرکت‌های اسلامی، سعی کرده‌اند رژیم قدیمی و وابسته به خود را در منطقه سر کار بیاورند. این اقدام به نوبه خود باعث ناآرامی‌های زیادی در خاورمیانه شده و صلح در این منطقه استراتژیک را با تهدید روبرو کرده است. آیت‌الله خامنه‌ای درباره این اقدامات می‌فرماید: «بی‌شک غرب می‌کوشد انقلاب‌ها را تبدیل به ضد انقلاب کرده و نهایتاً با بازسازی رژیم‌های قدیمی به شیوه جدید و تخلیه احساسات توده‌ها و جابه‌جایی اصول و فروع و تغییر مهره‌های خود و اصلاحات صوری و تصنعی و ظاهرسازی دموکراتیک، دوباره برای ده‌ها سال دیگر سیطره خود را بر جهان عرب حفظ کند» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴).

۱-۲. نشر مفاهیم غربی در جوامع اسلامی

از جمله عوامل دیگری که شکل‌گیری صلح پایدار در خاورمیانه را با چالش اساسی روبرو کرده است، سیاست‌های تهاجم فرهنگی غرب در منطقه خاورمیانه می‌باشد. اقدام کشورهای غربی در القای مفاهیم غربی به مردم و حاکمان کشورهای اسلامی به شیوه‌های مختلف فرهنگی و سیاسی، نتیجه شکست‌های آنان در خاورمیانه است که سعی دارند با این شیوه‌ها، شکست‌های خود را جبران کنند و مانع از ایجاد صلح پایدار بین دولت‌ها در خاورمیانه شوند. مقام معظم رهبری این اقدام را اینچنین بیان کرده‌اند: «غرب در دهه‌های بیداری اسلامی و به‌ویژه سال‌های اخیر، پس از شکست‌های پیاپی از ایران و افغانستان تا عراق و لبنان و فلسطین و اینک مصر و تونس و...، کوشیده است پس از شکست تاکتیک اسلام‌ستیزی و خشونت علنی، به تاکتیک بدل‌سازی و تولید نمونه‌های تقلبی دست بزند تا عملیات تروریسم ضد‌مردمی را به‌جای شهادت‌طلبی، تعصب و تحجر و خشونت را به‌جای اسلام‌گرایی و جهاد، قومیت‌گرایی و قبیله‌بازی را به‌جای اسلام‌خواهی و امت‌گرایی، غرب‌زدگی و وابستگی اقتصادی و فرهنگی را به‌جای پیشرفت مستقل، سکولاریزم را به‌جای علم‌گرایی، سازشکاری را به‌جای عقانیت، فساد و هرج و مرج اخلاقی را به‌جای آزادی، دیکتاتوری را به نام نظم و امنیت، مصرف‌زدگی و دنیاگرایی و اشرافی‌گری را به نام توسعه و ترقی، فقر و عقب‌ماندگی را به نام معنویت‌گرایی و زهد قلمداد کند» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴).

بنابراین منشأ اصلی تهاجم فرهنگی، اوضاع و شرایط سیاسی و اجتماعی خارجی به‌خصوص وضعیت

بحرانی کشورهای استعماری می‌باشد. وقتی کشورهای بزرگ صنعتی دچار بحران‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی شدند، تنها راه چاره را در انتقال این بحران به جوامع غیرصنعتی یافتند؛ به این صورت که با تسخیر کشورهای عقب‌افتاده مخصوصاً در خاورمیانه، علاوه بر تأمین مواد اولیه و کارگر ارزان، با ارسال متخصصان، کارمندان و کالاهای مصنوعی خود به این جوامع، مشکل تورم و بیکاری خود را تا حدودی از این طریق حل کردند و به نوعی با تشویق دولت‌ها به قومیت‌گرایی، وابستگی فرهنگی و اقتصادی، دنیاگرایی و فساد و هرج و مرج در تحولات سیاسی و اجتماعی دولت‌های خاورمیانه، از شکل‌گیری صلح فراگیر در خاورمیانه جلوگیری نمودند.

۶. نتیجه‌گیری

منطقه خاورمیانه و برقراری صلح در خاورمیانه، همواره یکی از دغدغه‌های دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی بوده است. با وجود همه تلاش‌ها برای برقراری صلح در خاورمیانه و با گذشت بیش از یک قرن از کشمکش میان اعراب فلسطینی و یهودیان اسرائیلی بر سر مسأله فلسطین، بسیاری از ناظران مسائل خاورمیانه بر سر این نکته اتفاق نظر دارند که کشمکش مذکور سرمنشأ اصلی بسیاری از مشکلات منطقه بوده و رویدادها و دگرگونی‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن را رقم زده است. گرچه از همان دوره‌های آغازین این کشمکش، تلاش‌های گوناگونی از سوی طرف‌های درگیر برای پایان دادن به آن و یافتن راهی برای هم‌زیستی دو گروه صورت گرفت، اما تاکنون هیچ‌یک از پیشنهادها یا راه‌حل‌ها نتوانسته است به اختلافات میان اعراب فلسطینی و اسرائیلی‌ها پایان دهد. از سوی دیگر، با وجود اهمیت صلح در خاورمیانه برای سیاست جهانی و منطقه‌ای و درک این مسأله که بحران فلسطین کانون اصلی سایر بحران‌های داخلی و منطقه‌ای در خاورمیانه بوده است، جمهوری اسلامی ایران نیز به رهبری امام خمینی و مقام معظم رهبری، سعی در ایجاد صلح و ثبات در منطقه خاورمیانه را دارد و در این میان، مسأله فلسطین در اولویت قرار گرفته است. امام خمینی و مقام معظم رهبری بر این باورند که عوامل زیادی در تحقق صلح در خاورمیانه دخیل هستند. لذا، این پژوهش، به عوامل اقتصادی و اجتماعی برهم‌زننده صلح در خاورمیانه از دیدگاه آنان پرداخته است. از جمله عوامل برهم‌زننده صلح در خاورمیانه از دیدگاه امام خمینی و مقام معظم رهبری، می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

الف) عوامل برهم‌زننده اقتصادی تحقق صلح در خاورمیانه از دیدگاه امام خمینی و مقام معظم رهبری: حمایت‌های اقتصادی آمریکا و اروپا از اسرائیل؛ توطئه‌های اقتصادی آمریکا علیه ایران، طمع‌ورزی به

منابع مسلمین؛ استفاده ابرازی آمریکا از دولت‌های منطقه؛ سیاست توسعه ارضی اسرائیل.
ب) عوامل برهم‌زننده اجتماعی تحقق صلح در خاورمیانه از دیدگاه امام خمینی و مقام معظم رهبری:
ایجاد تفرقه میان مسلمانان؛ غفلت سران دولت‌های اسلامی؛ تحقیر ملت‌ها توسط سران کشورها؛ سازش
دولت‌های عربی با اسرائیل؛ دین‌ستیزی و وابستگی حاکمان کشورهای عربی؛ تلاش برای بازسازی
رژیم‌های قدیمی به‌وسیله غرب؛ نشر مفاهیم غربی در جوامع اسلامی.

منابع

قرآن کریم.

- ابن هبشی، ابوالحسن نورالدین علی (۱۴۱۴ق). *مجمع الزوائد و منبع الفوائد*. قاهره: مکتبه القدسی، ج ۱، ۵.
- ثقفی کوفی، ابراهیم بن محمد (۱۳۷۴). *الغارات*. ترجمه عبدالمحمد آیتی. تهران: وزارت ارشاد، ج ۲.
- حمد الفتلاوی، مهدی (۱۳۸۵). *سقوط اسرائیل*. قم: بوستان کتاب.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۱/۰۱/۰۷). *بیانات در خطبه‌های نماز جمعه*. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2608>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۰/۰۷/۰۹). *بیانات در کنفرانس حمایت از انتفاضه فلسطین*. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=17401>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۰/۰۸/۱۲). *بیانات در دیدار جوانان استان اصفهان*. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3092>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۰/۱۱/۱۴). *بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران*. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=18923>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۷/۱۰/۱۹). *بیانات در دیدار مردم قم به مناسبت قیام نوزدهم دی*. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=5383>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۰/۱۱/۳۰). *بیانات در دیدار جمعی از خانواده‌های شهدای قم*. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2589>
- خدادادی، محمداسماعیل (۱۳۸۵). *مسائل منطقه‌ای ایران در چشم‌انداز مقام معظم رهبری*. حصون، شماره ۷.
- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۹). *صحیفه امام، مجموعه آثار امام خمینی*. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۱-۲، ۶، ۸، ۳، ۱۸-۱۶.
- صفا تاج، مجید (۱۳۹۴). *توسعه‌طلبی رژیم صهیونیستی*. پاسدار اسلام، شماره ۴۰۱.
- عدنان، سید حسین (۱۹۸۹م). *التوسع فی الاستراتیجیه الاسرائیلیه*. بیروت: دارالفنانش.
- فیض الاسلام اصفهانی، علی‌نقی (۱۳۳۸). *نهج البلاغه*. قم: موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل‌البت (ع).
- کریمیان، احمد (۱۳۸۶). *یهود و صهیونیسم*. تهران: بوستان کتاب.
- کوئیگیلی، جان (۱۳۷۲). *فلسطین و اسرائیل رویارویی با عدالت*. ترجمه سهیلا ناصری. تهران: موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- گارودی، روزه (۱۳۶۴). *ماجرای اسرائیل و صهیونیسم سیاسی*. منوچهر بیات مختاری. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار*. بیروت: مؤسسه الوفاء، ج ۶۱.
- الموسوعه الفلستینیه (۱۹۸۴م). *التوسعه الصهیونیه*. دمشق: هیئه الموسوعه الفلستینیه، ج ۱.
- نیشابوری، حاکم (بی‌تا). *المستدرک علی الصحیحین*. بیروت: دارالمعرفه، ج ۱.